

کارکرد افعال گفتاری در منظومه « خسرو و شیرین »؛ بر پایه نظریه جان سرل

لیلامختاری نیا، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی دزفول

l.mokhtariniya@gmail.com

دکترسیداحمد حسینی کازرونی، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی دزفول

sahkazerooni@yahoo.com

چکیده

همیشه نمی توان میان صورت های ظاهری جملات و کارکرد نهایی معنایی آن رابطه ایی مستقیم برقرار کرد. امروزه برای فهم این چنین پاره گفتارهایی که معنای ثانوی آنها مورد نظر است و در نهایت شامل کارکردهای متفاوتی از قبیل اظهاری، پیشنهادی و تعهدی می باشند، از نظریه جان سرل که به نظریه کارگفت معروف است بهره می برند. هدف از این جستار این است که با استفاده از این رویکرد گفته های اشخاص برجسته منظومه « خسرو و شیرین » مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. یافته های نائل شده از این مطالعه حاکی از آن است که گفتارهای خسرو در پنج دسته کنش های گفتاری اظهاری، اعلامی، عاطفی، تعهدی و ترغیبی می تواند قرار گیرد، اما گفتارهای بیان شده از سوی شیرین را باید در دو سطح کنش گفتاری عاطفی و ترغیبی پی گرفت. گمان می رود هویدا بودن این نوع کنش ها از سوی شیرین ریشه در نوع جنسیت وی دارد. با بررسی پاره گفتارهای شاپور کارگفت های این شخصیت در گروه کنش های اظهاری و ترغیبی قرار گرفت که این امر را می توانیم با توجه به نقش و جایگاهی که این شخصیت در منظومه دارد توجیه کنیم. مشترک بودن کنش « ترغیبی » در گفتار همه شخصیت ها نشان می دهد که این نوع کنش هیچ ارتباطی به جنسیت و جایگاه فرد در اجتماع ندارد. واژگان کلیدی: منظومه خسرو و شیرین، کنش گفتار، خسرو، شیرین و فرهاد.

مقدمه

هر نویسنده و شاعری برای القای مطالب خود شیوه ی خاصی دارد. یکی از شیوه های تاثیر کلام، کاربرد جملات به صورت غیرمستقیم در معنای ثانوی است که این موضوع در علم معانی دنبال می شود. زبان شناسان در همین رابطه به پژوهش های جدیدی رسیده اند که نتایج حاصله از آن حاکی از آن است که گاهی جملات در همان معنای ظاهری به کار برده نمی شوند. مثلا اکثر جملات پرسشی دارای غرضی دیگر هستند. شمیسا می گوید « خبرهایی که در ادبیات داده می شود نوعا قابل صدق و کذب نیستند (انشا) زیرا نسبت خارجی (یعنی ما به ازاء خارجی که صحت و سقم خبر را با آن مطابقت کنیم) ندارند و می توان گفت که اصولا مربوط به عالم واقع نیستند و از این رو جمله خبری حکم جمله ی انشایی را پیدا می کند » (شمیسا، ۱۳۷۵: ۱۰۱). اما تاکیدی که زبان شناسان از جمله آستین داشت بر این مسئله بود که زبان را نباید فقط از جنبه ی نقش توصیفی آن بررسی کرد، بلکه به عنوان «وسیله انجام کار» نیز حتی می توانیم تعریف کنیم. بنابراین نکته مشترک علم معانی و زبان شناسی در همین مبحث

جملات انشایی است که قابل صدق و کذب نیستند و هر دو این جملات را از جملات خبری متمایز ساخته اند (قربان خانی و ابن الرسول ، ۱۳۹۱: ۶۲۳) .

جستار پیش رو بر آن است تا به تحلیل و بررسی ابیات منظومه خسرو و شیرین از دیدگاه نظریه کارگفت پردازد . این نظریه می تواند به فهم معنا با توجه به کنش های گفتاری از سوی افراد مختلف در متون ادبی کمک کند . حال پژوهشگر سعی دارد چگونگی استفاده از کارگفت ها را در بخش هایی از این منظومه مشخص نماید و هم چنین در ضمن پژوهش اهتمام بر پاسخ گویی به این سوالات دارد :

۱- آیا تحلیل کارگفتی می تواند ما را به خوانشی متفاوت و تفسیر دیگر سوق دهد ؟

۲- آیا می توان میان پاره گفتارهای بیان شده توسط شخصیت های اصلی منظومه با نوع جایگاه اجتماعی و جنسیت آنها ارتباطی برقرار کرد ؟

درباره ضرورت این تحقیق باید گفت تاکنون تحقیقات فراوانی و از چشم اندازهای مختلفی درباره منظومه خسرو و شیرین صورت گرفته است . اما تا جایی که خواننده مطلع است درباره فرضیه کنش گفتار در ارتباط با این منظومه پژوهشی صورت نگرفته است . ولی پژوهش های مختلفی در زمینه تحلیل کنش گفتار در متون مختلف دینی حقوقی و دو مورد در متون ادبی گرشاسبنامه انجام شده به عنوان مثال : . کنش های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و طبقه اجتماعی (جلالی و صادقی ، ۱۳۹۵) ، جستاری در نهج البلاغه از منظر نظریه زبانی کارگفت (کاظمی ، ۱۳۹۴) ، کارکردهای معنایی و توان منظوری جملات استفهامی قرآن کریم با توجه به نظریه ((کنش گفتار)) (ویسی و الخاص ، ۱۳۹۴) ، تاثیر بافت زمانی - مکانی بر تحلیل کنش گفتار ، مقایسه فراوانی انواع کنش های گفتار در سوره های مکی و مدنی قرآن کریم (حسینی معصوم و رادمرد ، ۱۳۹۴) ، در این مقالات ذکر شده محققین به بررسی کنش های گفتاری از نظر متون دینی نگاه خاصی داشته اند ، بررسی سطوح گفتاری زبان در گرشاسبنامه (جلالی و صادقی ، ۱۳۹۴) تحلیل خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه براساس نظریه کنش گفتار سرل (ایشانی و قزوینی ، ۱۳۹۳) ، مقایسه کنش های گفتار در پیامک های فارسی زنان و مردان جوان براساس طبقه بندی سرل (حسینی و خاوری ، ۱۳۹۳) ، کنش گفتاری درخواست کردن توسط فارسی آموزان پیشرفته چینی زبانان (گلپور ، ۱۳۹۳) ، کاربرد شناسی جملات ندا (قربان خانی و ابن الرسول ، ۱۳۹۱) ، تحلیل گفتمان حقوقی ، واکاوی نقش کارگفت در بافت حقوقی (عسکری متین و رحیمی ، ۱۳۹۲) ، تحلیل متن شناسی زیارتنامه حضرت امام رضا بر پایه نظریه کنش گفتار (پهلول نژاد ، ۱۳۸۹) ، واقعیت های نهادی از دیدگاه جان سرل (عبداللهی و جان محمدی ، ۱۳۸۹) ، نظریه افعال گفتاری و برخی پیامدهای فهم آن (عباسیان ، ۱۳۸۴) و نظریه کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن (ساجدی ، ۱۳۸۱) . برای پرداختن به این موضوع یعنی فرضیه کنش گفتار در منظومه خسرو و شیرین ابتدا لازم است به پیشینه ی این نظریه و طبقه بندی که بعدها جان سرل به آن پرداخت ، اشاراتی چند و به اجمال داشته باشیم .

پیشینه ی فرضیه پیش گفتار

این نظریه ابتدا از سوی جان . آی . آستین که از پیشگامان فلسفه زبان مکتب آکسفورد بود ، مطرح شد . وی نظریه خود را در مقاله ای تحت عنوان «چگونه با کلمات کار انجام می دهیم ؟ » انتشار دارد .

آستین میان جملات با معنی و بی معنی تمایزی قائل شد . او جملات معنی داری را که خبری نبودند جملات کنشی نامید . «این نوع جملات (کنشی) به جملاتی گفته می شوند که تولیدشان با توجه به بافت و شرایطی به عنوان انجام یک عمل قراردادی اجتماعی محسوب می شوند» (ایشانی و قزوینی ، ۱۳۹۳: ۲۹) . به گفته آستین ، فعل در بسیاری از موارد فقط اطلاعات مبادله نمی کند ، بلکه با خود عمل معادل است . برای مثال وقتی شخصی می گوید « معذرت می خواهم » عمل عذرخواهی اش درست موقعی به وقوع می پیوندد که این جمله را بر زبان می آورد . در چنین مواردی ((گفتن)) برابر با کنش است و گوینده با به زبان آوردن این جمله ها کاری انجام می دهد که آستین

این فعل ها را کنش نام نهاد و آنها را از فعل هایی که اطلاعات را به صورت غیرکنشی انتقال می دهند متفاوت می دانست (کاظمی ، ۱۳۹۴: ۱۱). از نظر وی در بیان های کنشی از افعال کنش مانند : قول دادن ، اعلام کردن ، اخطار کردن و غیره استفاده می شود و این افعال را در صورتی بیان کنشی می دانست که در زمان حال ساده و با فعل اول شخص به کار روند و برای بیان های کنشی انواعی قائل شد که عبارتند از : کنش بیانی ، کنش تأثیری و منظوری (ایشانی و قزوینی ، ۱۳۹۳: ۳۰).

ما در حقیقت می توانیم چنین ادعا کنیم که پاره گفتارهایی که با قواعد دستوری زبان به طور دقیق مطابق هستند ، بدون هدف تولید نمی کنیم ، بلکه با تولید آن پاره گفتارها در واقع به دنبال کارکردی هستیم که این کارکرد همان کنش منظوری می باشد ، که از نظر آستین این کنش منظوری را با بیان پاره گفتارهایی که در واقع دارای توان منظوری خاصی می باشند نشان می دهیم . مانند : آگاه کردن ، دستوردادن و هشداردادن (ویسی و اورکی ، ۱۳۹۴: ۱۲).

پاره گفتارهای بیانی

در نظریه کنش گفتار به جای پرداختن به جمله ها به پاره گفتارها پرداخته می شوند ؛ اگر بخواهیم تعریف خاصی از پاره گفتار داشته باشیم ((باید گفت پاره گفتار قطعه ای کوتاه یا بلند زبان است که معنای آن حاصل تعامل زبان و بافت تولید است . این نوع برداشت سبب می شود که ما در کار تحلیل انعطاف بیشتری داشته باشیم زیرا از منظر کنش های گفتار ، یک پاره گفتار خود می تواند یک کلمه ، یک جمله یا حتی یک گفتمان کامل یا یک اثر ادبی باشد (حسینی معصوم ، ۱۳۹۲: ۷۲).

به طور کلی نظریه آستین در پی روشن کردن این مسئله بود که وقتی ((انسان ها با یکدیگر صحبت می کنند چه اتفاقی در زبان رخ می دهد ؛ جان آستین بر این نکته فلسفی انگشت گذاشته که زبان هرگز نمی تواند و نباید در انزوا و به تنهایی مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گیرد . تئوری آستین در پیوند با این واقعیت است که در زبان ، افزون بر محتوای معنایی که بر زبان جاری می شود ، ابعاد دیگری هم وجود دارد و این وجوه است که معنای نهایی را معین می کند)) (قره باغی ، ۱۳۸۴: ۱۱). اما بعدها ، بعد از جان آستین زبان شناسان دیگری ، از جمله جان سرل به این مضمون پرداخت و تحت تأثیر مستقیم نظریه آستین کنش های اجرا کننده را گسترش داد ؛ اما تفاوتی که نظر آستین با سرل داشت در این موضوع بود که آستین گفتارها را به دو گروه کنشی و غیرکنشی یا بیانی و غیربیانی تقسیم کرده بود ولی سرل گفتارها را همگی کنش می دانست (جلالی و صادقی ، ۱۳۹۴: ۲۲). البته تئوری آستین تأثیرات فراوانی بر کسانی که درباره زبان دینی کار انجام می دادند ، بگذارد و با استفاده از این رویکرد لایه های پنهانی متون دینی و هم چنین متون سیاسی آشکار و نمایان شود (ایشانی و قزوینی ، ۱۳۹۳: ۲۸).

از آن جایی که سرل کنش های گفتار را به گونه ای متفاوت دسته بندی نموده و دارای تنوع بیشتری است و حتی می تواند مفاهیم بیشتری را با استفاده از این تقسیم بندی توصیف و تبیین نمود و هم چنین ما بنای کار را در این جستار براساس این رویکرد نهاده ایم ابتدا توضیحاتی را به معرفی دیدگاه سرل اختصاص داده و سپس به موضوع مقاله خویش که تحلیل ابیات منظومه خسرو و شیرین بر پایه نظریه کارگفت)) است می پردازیم .

کنش گفت ها از دیدگاه جان سرل

الف - کنش اظهاری

ماهیت این نوع کارگفت شامل اظهارات ، ادعاها و نتیجه گیری هایی است که گوینده به حقیقت درستی یا نادرستی آن ایمان دارد . به عبارتی دیگر وقایع بیرون جهان را آن گونه که باور دارد توصیف می کند و می گوید که امور چگونه هستند . افعال هایی مانند : اظهار کردن ، انکار کردن ، اقرار کردن ، تأکید کردن ، اذعان کردن و ... از این دسته به شمار می آیند (عسکری متین ، ۱۳۹۱: ۱۵۷).

ب- کنش عاطفی

آن دسته از کنش‌های گفتاری را شامل می‌شود که در آنها حالت روحی و روانی و احساسات گوینده بیان می‌شود. هر گاه که گوینده احساس خود را از طریق لذت، علاقه، تنفر، عذرخواهی و یا حتی ناسزاگویی بیان دارد. این گونه حالات احساسی و روان‌شناختی با افعالی نشان داده می‌شود که حاکی از این نوع کارگفت می‌باشند؛ این افعال عبارتند از: عذرخواهی، سرزنش، تبریک، تحسین و تشکر، عصبانی شدن (کاظمی، ۱۳۹۴: ۱۸).

پ - کنش ترغیبی

همان‌طور که از نام این کنش برمی‌آید، منظور از چنین کنشی این است که کاربر زبان با استفاده از واژه‌ها، مخاطب را به انجام کاری و یا بازداشتن از آن کار، تشویق و ترغیب نماید. گوینده این تشویق و ترغیب را در قالب‌هایی مانند امر، خواهش، فرمان و یا حتی پرسش جلوه‌گری می‌سازد. سعی گوینده در این نوع کنش منطبق کردن جهان خارج با وضعیت مطلوب خود از طریق مخاطب است (حسینی معصوم و رادمرد، ۱۳۹۳: ۷).

ت- کنش تعهدی

ماهیت این نوع کنش ملزم کردن مخاطب به انجام کاری در آینده را شامل می‌شود. این نوع از کنش‌های گفتار با گذشت زمان به تحقق می‌پیوندند. افعال چنین کنشی عبارتند از: قول دادن، تهدید کردن، سوگند خوردن، متعهد شدن. جمله‌هایی مانند: او سوگند خورد که به همسرش وفادار بماند (ایشانی و قزوینی، ۱۳۹۳: ۳۳).

ث- کنش اعلامی

هدف گوینده آن است که تغییراتی در جهان خارج ایجاد شود. «برخلاف کنش تعهدی که گوینده خود انجام عمل را برعهده می‌گیرد، در کنش اعلامی، صرف بیان جمله توسط گوینده برابر با انجام عمل است و نیاز به انجام کار دیگری نیست» (حسینی معصوم و رادمرد، ۱۳۹۳: ۷۱).

بررسی کنش‌های اظهاری در پاره گفتارها

آغاز داستان خسرو و شیرین

چنین گفت آن سخنگوی کهن راد / که بودش داستان‌های کهن یاد
 که چون شده ماه کسری در سیاهی / به هر فر داد تخت پادشاهی
 جهان افروز هر فر داد می‌کرد / بداد خود جهان آباد می‌کرد
 همان رسم پدر بر جای می‌داشت / دهش بر دست و دین بر پای می‌داشت (خسرو و شیرین، ۴۰: ۱۳۸۹)

در پاره گفتارهای فوق، براساس تعاریفی که پیشتر در ذکر کنش اظهاری گذشت می‌توان با تحلیل و مقایسه متوجه شد که گوینده (خالق اثر) بیان خود را چگونه با توصیف همراه کرده است. مخاطب در آغاز متوجه نوعی یقین و باور می‌شود، زیرا قصد گوینده آن است که خواننده را در هنگام خوانش منظومه با خود همراه و هم‌عقیده سازد که هر فر پدر خسرو عدل و داد را هم چون نیای خویش رعایت نموده؛ «همان رسم پدر بر جای می‌داشت»، «دهش بر دست و دین بر پای می‌داشت».

این گفتمان تا زمان متولد شدن خسرو و چگونگی کودکی او ادامه دارد و خالق منظومه با بکارگیری پاره گفتارهایی چون «چنان قادر سخن شد در معانی»، «به باریکی سخن چون موی می‌گفت» و ویژگی‌های خسرو را به مخاطب خویش نشان می‌دهد. با بررسی این کارگفت‌ها می‌توان متوجه شد که کنش‌های گفتاری دارای مشخصه‌ی کنش اظهاری هستند. همان‌گونه که صفوی ابراز می‌دارد می‌توان «نمونه بارز این کارگفت‌ها را درباره گفتارهایی مشاهده کرد که بر نکته‌ای تاکید می‌کنند یا به نتیجه‌گیری از نکته‌ای می‌پردازند» (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۷۷).

همان‌طور که به خواندن ابیات منظومه ادامه می‌دهیم به تکرار و به دفعات بی‌شمار با پاره گفتارهایی مواجه می‌شویم که هر کدام با بیانی سایر صفات و ویژگی‌های خسرو را نشان می‌دهند.

پس از نه سالگی مکتب رها کرد / حساب جنگ شیر و اژدها کرد
به تیر از موی بگشادی گره را / به نیزه حلقه بر بودی زره را
چو عمر آمد به حد چارده سال / برآمد مرغ دانش را پر و بال
خطر در جستنی های نهان کرد / حساب نیک و بدهای جهان کرد

هنگام بررسی و تحلیل ابیات از دیدگاه فرضیه کنش گفتار، ابیات ذکر شده همگی در قالب خبر و اظهار و باور گوینده می باشند. زیرا به وضوح می توان یقین گوینده را و نظرش را نسبت به شخصیت خسرو متوجه شد. و چنین اذعان نمود که صادق بودن گزاره ها کاملاً محسوس است.

بررسی کنش ترغیبی در پاره گفتارها (مربوط به شخصیت خسرو)

شفیع انگیخت پیران کهن را / که نزد شه برند آن سرو بن را
مگر شاه آن شفاعت در پذیرد / گناه رفته را بر وی نگیرد
(منظومه خسرو و شیرین ، ۱۳۸۹: ۴۶)

همان گونه که در صفحات پیشین در معرفی انواع کنش ها در طبقه بندی جان سرل ذکر شد، در کنش ترغیبی، گوینده سعی دارد با به کارگیری جملات با افعال خاصی، مخاطب خویش را به انجام کاری ترغیب نماید؛ بگونه ای که وی بتواند جهان خارج خود را با عملی که شنونده انجام می دهد تطبیق و هماهنگ نماید.

چه سازد با تو فرزندات، بیندیش / همان بیند ز فرزندان پس خویش
به نیک و بد مشو در بند فرزند / نیابت خود کند فرزند فرزند
منادی را ندا فرمود در شهر / که وای آن کس که و بر کس کند قهر
اگر اسبی چرد در کشتزاری / و گر غصبی رود بر میوه داری
و گر کس روی نامحرم ببیند / همان در خانه ی ترکی نشیند
سیاست از من گردد سزاوار / برین سوگند هایی خورد بسیار
چو شه در عدل خود نمود سستی / پدید آمد جهان را تندرستی

کنش های گفتاری موجود در این ابیات نیز گوینده، مخاطبین خود را یا به انجام کاری و یا بازداشتن از کاری دیگر تشویق و ترغیب می نماید. در تحلیلی که بر پایه فرضیه کنش گفتار از سوی پژوهشگر در این منظومه صورت گرفت. تصویری ایجاد شد که درست بودن و نادرستی آن را برعهده و قضاوت خواننده این جستار قرار می دهد؛ گویا گوینده متن تلاش داشته است که هر جا سخن از افراد صاحب مسند می کند، پاره گفتارهای بیان شده را گونه ای اظهار کند که خواننده به میزان قدرت آن پی ببرد. در هر صورت کنش های گفتاری بررسی شده درباره ی خسرو شاه و یا پدر وی ابتدا اظهاری و سپس به تعهدی تغییر می یابند. مانند ابیاتی که ذکر شد. ((اگر اسبی چرد در کشتزاری / و گر غصبی رود بر میوه داری))، که با بررسی کنش موجود در پاره گفتارهای فوق می توان به این نتیجه رسید که در مقوله دستور و درخواست هستند و این گوینده است که با توجه به جایگاه و قدرتی که دارد می تواند کنش گفتاری خود را از ترغیبی به تعهدی تغییر دهد. اگر کسی از این دستورات سرپیچی کند در آینده دچار سیاست و تنبیه از سوی من می شود. ((سیاست از من گردد سزاوار / برین سوگندهایی خورد بسیار)) . زیرا هدف از این کارگفت «تطبیق دادن محتوای گزاره ای عمل آتی شنونده با جهان خارج است» (کاظمی ، ۱۳۹۴ : ۱۹).

بررسی کنش عاطفی درباره شخصیت خسرو

خسرو پس از آن پیران را نزد پدر جهت شفاعت می فرستد، خود نیز در پی آنها حرکت کرده و با گفتار و رفتار خود سعی می کند پدر را قانع سازد تا از گناه او صرف نظر کند. این خواسته را خالق منظومه با ذکر گفتارهایی که در قالب ترغیب و تشویق هستند، بیان نموده است. ((هنوزم بوی شیر آید ز دندان / مشو در خون من چون شیر

خندان)) یا ((عنایت کن که این سرگشته فرزند / ندارد طاقث خشم خداوند)) و در نهایت با ذکر این عبارت (پاره گفتار) ((که برگ عر غمی داریم درین راه / ندارم برگ ناخشنودی شاه)) . کلامی را که با کنش ترغیبی آغاز کرده با کنش عاطفی به پایان می رساند . زیرا در این کارگفت اخیر گوینده احساس خود را بیان کرده بگونه ای که مخاطب دچار احساسی عاطفی می گردد و می توان چنین نتیجه گرفت که این نوع کنش مخاطب (انجام شونده) توسط دستخوش قرار دادن احساساتش از سوی گوینده صورت می گیرد . مانند بیت زیر که این فرایند به خوبی در آن نمایان و هویداست :

((سرش بوسید و شفقت بیش کردش / ولیعهد سپاه خویش کردش))

بررسی کنش اعلامی (درباره شخصیت خسرو)

نیای خویشان را دید در خواب / که گفت : ای تازه خورشید جهانتاب
اگر شد چارمولای عزیزت / بشارت می دهم بر چار چیزت
یکی چون ترشی آن غوره خوردی / چو خوره زان ترشروی نکرده
دلارامی تو را در بر نشیند / کزو شیرین تری دوران نبیند
دوم چون مرکب را پی بریدند / و زان بر خاطر گردی ندیدند
به شبرنگی رسی شبدیز نامش / که صرصر در نیاید گرد کامش
سیم چون شد به دهقان داد تخت / و زان تندی نشد شوریده بخت
دست آری چنان شاهانه تختی / که باشد راست چون زرین درختی

در این نوع کنش گفتاری همان گونه که در ابیات فوق ملاحظه می شود شرایط تازه ای برای مخاطب (خسرو) اعلام شده است و گوینده این نوع کارگفت را بیان می دارد و به او بشارت چند چیز را در آینده می دهد ؛ که در مقایسه با این فرضیه کنش گفتار همان گونه که در تعریف این نوع کنش اشاره شد ؛ اعلام شرایط تازه برای مخاطب از سوی گوینده صورت می گیرد که البته ، صرف بیان شرایط به منزله ی انجام یک کنش اعلامی نیست .

بررسی کنش تعهدی درباره شخصیت خسرو

پاسخ خسرو به شیرین

اگر بر من به سلطانی کنی ناز / بگو تا خط به مولایی دهم باز
و گر چشمم کنی ، سر پیش دارم / پس این چشم دگر در پیش آرم
(منظومه خسرو و شیرین ، ۳۱۳)

خسرو در قبال رسیدن به خواسته ی خود حاضر به تعهد دادن است ، تعهد به بندگی . وی حتی حاضر است در این راه جان فدای دوست کند ؛ ظاهراً در این جا صرف نظر از جایگاه و قدرتی که او دارد می توان فرمانروایی عشق را در قلمرو جان و روح وی نظاره گر شد و این عشق است که آدمی را به گفتار و در نهایت عملی می رساند که چنین اظهار تعهد نماید .

بررسی کنش های گفتاری شاپور و نقش وی در منظومه

کنش های اظهاری

وصف جمال شیرین

پری دختری ، پری بگذار ، ماهی / به زیر مقنعه صاحب کلاهی
شب افروزی چو مهتاب جوانی / سیه چشمی چو آب زندگانی
کشیده قامتی چون نخل سیمین / دوزنگی بر سر نخلش رطب چین
رخس نسرين و بویش نیز نسرين / لبش شیرین و نامش نیز شیرین
شکر لفظان لبش را نوش خوانند / ولیعهد مهین بانوش دادند

توصیف مهین بانو

زنی فرمانده است از نسل شاهان / شده جوش سپاهش تا سپاهان
همه اقلیم اران تا به ارمن / مقرر گشته بر فرمان آن زن
ندارد هیچ مرزی بی خراجی / همه دارد ، مگر تختی و تاجی
مزارش قلعه بر کوه بلند است / خزینه ش را خدا داند که چند است
ز جنس چارپاه چندان که خواهی / به افزونی فزون از مرغ و ماهی

توصیف در نژاد شبدیز

سخن پیمای فرهنگی چنین گفت / به وقت آن که درهای دری سفت
که : زیر دامن این دیر غاریست / در و سنگی سیه ، گویی سواراست
ز دشت رم گله در هر قرانی / به گشن آید تکاور مادیانی
ز صد فر سنگی آید بر در غار / دروسنبد چو در سوراخ خود مار
بدان سنگ سیه رغبت نماید / به رغبت خویشتن بر سنگ ساید
به فرمان خدا زو گشن گیرد / خدا گفتی شگفتی دل پذیرد
هر آن کره کزان تخمش بود بار / ز دوران تک برد ، وز باد رفتار
چنین گوید همیدون مرد فرهنگ / که شبدیز آمده ست از نسل آن سنگ
(منظومه خسرو و شیرین ، ۵۷)

کنش های ترغیبی شاپور

در این قسمت با ابیاتی مواجه می شویم که شاپور قلمزن ماهر چگونه توانسته خسرو شاه را نسبت به شیرین عاشق و ترغیب نماید . شخصیت شاپور در این منظومه بگونه ای است که کنش های گفتاری بررسی شده از سوی او یا اظهارهای هستند یا ترغیبی ، ظاهراً وی نقشی فراتر از این نداشته است ؛ ابیات ذیل نشان می دهد که چگونه این نوع کنش گفتاری به صورت پرسشی و درخواستی بیان می شود و این امر خود مبین این موضوع است که کسانی که از نظر جایگاه و قدرت اجتماعی پایین تر هستند باید این گونه کنش گفتاری را انتخاب نمایند .

که : گر فرمان دهد شاه جهانم / بگویم صد یک از چیزی که دانم
اشارت کرد خسرو کای جوانمرد / بگو گرم و مکن هنگامه را سرد
زبان بگشاد شاپور سخنگوی / سخن را بهره داد از رنگ و از بوی
نه شیرین تر ز شیرین خلق دیدم / نه چون شبدیز شبی گلی شنیدم
چو برگفت این سخن شاپور هشیار / فراغت خفته گشت و عشق بیدار
یکایک مهر بر شیرین نهادند / بدان شیرین زبان اقرار دادند
در ابیات دیگر نیز می توان این نوع کنش را باز از زبان شاپور بشنویم آن زمانی است که وی سعی دارد شیرین را ترغیب نماید .

صواب آن شد که نگشایی به کس راز / کنی فردا سوی نخجیر پرداز

چو مردان برنشین بر پشت شبدیز / به نخجیر آی و از نخجیر بگریز

همان گونه که ملاحظه می شود شاپور سعی دارد شیرین را در حالتی میان تکلیف و اجبار برای رسیدن به هدفش وا دارد . البته نوع بیان برخلاف سخن گفتن با خسرو است . نوع بیان کنش ترغیبی شاپور با خسرو از نوع درخواست بود اما با شیرین خود شرایطی را پدید می آورد که وی را به انجام کار ترغیب نماید ؛ بگونه ای که او را الزام به توجه کردن می کند ، و شاید بتوان گفت نوعی اصرار و پافشاری به همراه آن است .

کنش های تعهدی شاپور

حکایت های این صورت دراز است / و زین صورت مرا در پرده راز است
یکایک هر چه می دانم سر و پای / بگویم با تو ، گر خالی بود جای
کنش گفتاری به کار گرفته شده در این ابیات ابتدا با نوع اظهاری آغاز و سپس با کنش گفتاری تعهدی به پایان می
رسد .

کنش های عاطفی شیرین
به پرواز اندر آمد مرغ جانش / فروبست از سخن گفتن زبانش
دگر ره دید چشم مهربانش / در آن صورت که بود آرام جانش
در آن آینه دید از خود نشانی / چو خود را یافت ، بیخود شد زمانی
چنان شد در سخن ناساز گفتن / کر آن گفتن شاید باز گفتن
بت زنجیر موی از گفتن او / برآشفت ای خوشا آشفتن او
ابیات بالا نمونه ای از کنش های عاطفی در شیرین است و او از سخن نامناسب شاپور برآشفته می شود زیرا شاپور
با نوع بیان خود احساسات مخاطب خود را برانگیخته می سازد . بیشتر پاره گفتارهای ذکر شده از سوی شیرین از
نوع عاطفی هستند . این بیشتر بودن کنش عاطفی نشان از موضوع اصلی این منظومه یعنی عشق را دارد . آری کلام
عشق گاهی با خنده و ستایش همراه است و گاه با خشم و ناسپاسی و گله و شکایت . این ویژگی و این نوع مولفه
ها و بازنمودها خاص فرهنگ عشق می باشند .

کنش های ترغیبی شیرین
به یاران بانگ بر زد کاین چه حال است / غلط می کرد خود را کاین خیال است
به سروی زان سهی سروان بفرمود / که : آن صورت بیاور نزد من زود
نوع کنش بکار برده از سوی شیرین با توجه به جایگاهی که دارد دارای مشخصه ی دستوری و درخواستی می باشد
، زیرا وی مخاطبین خود را با این نوع بیان وادار به انجام دادن کاری می کند . ((که آن صورت بیاور نزد من زود))
در کامل کردن این نوع کنش گفتار از سوی گوینده به مخاطب در گرو اطاعت است .
در ابیات دیگری باز شاهد این نوع کنش از سوی شیرین هستیم :
یکی را ز آن بتان بنشانند در راه / که هر کس را که بینی بر گذرگاه
نظر کن تا درین سامان چه پوید ؟ / و زین صورت بپرسش تا چه گوید
اشارت کرد کان مغ را بخوانید / وزین در قصه ای با او برانید
پرسیدش که ؟ چونی ؟ وز کجایی ؟ / که بینم در تورنگ آشنایی
کنش گفتاری به صورت پرسشی است اما در واقع این کنش گفتاری در معنای ترغیبی می باشد زیرا بیان کننده ی
خواسته و تمایل گوینده (شیرین) است که این گونه خواسته ها و تمایلات به صورت پرسشی و یا درخواست از
مخاطب صورت می گیرد . شیرین از خدمتکاران خود می خواهد که در مسیر و گذرگاهی قرار گیرند و از لسانی که
در آن حد و مرز گذر می کنند علت گذرشان را بپرسند . زیرا او با این کار به دنبال نشانی از صاحب تصویر بود .

نمونه ی دیگری از کنش ترغیبی را در پاسخ دادن شیرین به خسرو می توان دید
کدامین جامه بر یادم دریدی ؟ / کدامین خواری از بهرم کشیدی ؟
کدامین پیک را دادی پیامی ؟ / کدامین شب فرستادی سلامی
تو ساغر می زدی با دوستان شاد / قلم شاپور می زد ، تیشه فرهاد
(منظومه خسرو و شیرین ، ۳۱۱)

همان گونه که ملاحظه می شود پاره گفتارهای موجود در ابیات فوق با لحنی پرسشی بیان شده اند ، اما ماهیت
اصلی این نوع کنش ها ، کنش ترغیبی است زیرا شیرین با این نوع بیان سعی در ترغیب مخاطب خویش (خسرو)

دارد. سرزندی به همراه ترغیب معشوق لازمه ی عشق است؛ چنین به نظر می رسد که برای شعله ورتن شدن آتش عشق کاربر می تواند چنین کنشی را از گفتار خویش نسبت به معشوق خود طلب کند تا او را نسبت به انجام کار مورد نظر خود (به تحقق پیوستن عشق) ترغیب کند. فعل های بکار رفته در پاره گفتارهای موجود گویای این مطلب هستند.

نتیجه

زبان یکی از توانایی های ذهن است و گفتار نمود آوایی این توانایی. براساس فرضیه جان سرل می توان به تحلیل کنش های گفتاری متون پرداخت و به خوانشی متفاوت دست یافت، زیرا در این تحلیل معناها رنگ دیگری به خود می گیرند. نتایج حاصل از این جستار به این شرح است: شخصیت های برجسته ی این منظومه هر کدام با توجه به جایگاه، قدرت و جنسیت توانستند دارای کنشی خاص باشند. شیرین در جایگاه زن، معشوقه ی خسرو، ولیعهد مهین بانو فرمانروای سرزمین ارمن در اکثر پاره گفتارهای بررسی شده دارای کنش افعالی عاطفی و ترغیبی است. کنش های گفتاری عاطفی وی به ترغیبی ختم می شوند، اما در مخاطب اصلی خود خسرو منجر به کنش گفتاری تعهدی می شود. کنش اعلامی در گفتارهای بررسی شده از سوی شیرین دیده نشد. ظاهراً بیشترین کنش های گفتاری عاطفی و ترغیبی درباره ی شخصیت شیرین است. خسرو شاهزاده عاشق دیروز و شاه دلباخته ی امروز هر پنج گونه کنش های گفتاری در او مصداق پیدا کرد. گاه اظهار و ادعا دارد و بر زیر دستان خشمگین می شود و فرمان می راند، گاه تشویق. لحظه ای عاشق غمگین می شود و لحظه ای جان را فدای شیرین می کند و در نهایت تنها اوست که در این منظومه کنش گفتاری اعلامی در پاره گفتارهای موجود و معرف شخصیت او قرار می گیرد. کنش های گفتاری درباره شاپور اظهاری و ترغیبی هستند در یک مورد فقط کنش گفتاری تعهدی وجود داشت. باور و عقیده او و اظهار نظراتی که نسبت به زیبایی شیرین، وصف شبدیز دارد سبب عشق خسرو می شود. مقایسه کنش های گفتاری درباره سه شخصیت خسرو، شیرین و شاپور در منظومه حاکی از آن است که کنش های گفتاری عاطفی شیرین بسیار بیشتر از کنش های گفتاری عاطفی خسرو هستند. کنش گفتاری ترغیبی هیچ ارتباطی نمی تواند با جنسیت و یا جایگاه فردی شخص در این منظومه داشته باشد. تعداد کنش های گفتاری تعهدی درباره شخصیت خسرو بیشتر از شیرین است و این نوع کارگفت در ابیاتی وجود دارد که وی توسط شیرین ترغیب شده باشد، ترغیبی با سلاح سرزندی!

منابع

الف (کتاب ها:

- ۱- شمیسا، سیروس، ۱۳۷۵، *معانی و بیان*، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۲- صفوی، کوروش، ۱۳۸۷، *درآمدی بر معنی شناسی*، تهران، سوره مهر.
- ۳- نظامی گنجه ای، ۱۳۸۹، *خسرو و شیرین*، تصحیح حسن وحید دستگردی به کوشش سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره.

ب (مقالات:

- ۱-ایشانی، طاهره و معصومه نعمتی قزوینی، ۱۳۹۳، ((*تحلیل خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه براساس نظریه کنش گفتار سرل*))، ۱۲: ۵۱-۲۵.
- ۲-جلالی، مریم و معصومه صادقی، ۱۳۹۵ ((*کنش های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و طبقه اجتماعی نر گرشاسب نامه*))، ۱۰۵-۸۱.
- ۳-.....، ۱۳۹۴ ((*بررسی سطوح گفتاری زنان در گرشاسب نامه*))، ۸: ۳۱-۲۰.

- ۴- حسینی معصوم ، سید محمد و عبدالله رادمرد ، ۱۳۹۴ ، ((تاثیر بافت زمانی - مکانی بر تحلیل کنش گفتار ؛ مقایسه ی فراوانی انواع کنش های گفتار در سوره های مکی و مدنی قرآن کریم)) .
- ۵- عسکری متین ، سجاد و علی رحیمی ، ۱۳۹۲ ، ((تحلیل گفتمان حقوقی ؛ واکاوی نقش کارگفت در بافت حقوقی)) ، ۴ ، ۱۷۳-۱۵۱ .
- ۶- کاظمی ، فروغ ، ، ۱۳۹۴ ، ((جستاری در نهج البلاغه از منظر نظریه زبانی کارگفت)) ، صحیفه مبین ، ۵۵ : ۷-۳۸ .
- ۷- قربان خانی ، مرضیه و سید محمد رضا ابن الرسول ، ۱۳۹۱ ، «کاربرد شناسی جملان ندا» ، ۲۸ ، ۶۴۲-۶۳۰ .
- ۸- قره باغی ، علی اصغر ، ۱۳۸۴ ، ((کتاب : رفتارهای زبانی بازنمایی های بی رحمانه شهرزاد قصه بگو! اثر محمد بهارلو)) ، ۷۰ : ۸۶-۸۰ .
- ۹- ویسی ، الخاص و علامحسن اورکی ، ۱۳۹۴ ، ((کارکردهای معنایی و توان منظوری جملات استفهامی قرآن کریم با توجه به نظریه کنش گفتاری)) ، ۶۲ : ۳۰-۵ .

